

# به دنبال هویت در معماری جدید گرجستان (نمونه: تفلیس)

ریحانه حجتی  
کارشناس ارشد معماری منظر  
reyhane.hojjati@yahoo.com

مریم حسینی  
پژوهشگر دکتری معماری، دانشگاه علم و صنعت  
mar\_hosseini@arch.iust.ac.ir

صبا سلطان قرانی  
کارشناس ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران  
s.sultanqurraie@ut.ac.ir

## چکیده

به دنبال الگوی کمونیستی حاکم بر فضاهای شهری در دوره پیش از استقلال گرجستان، منظر شهری و معماری بناها نیز تحت تأثیر اندیشه‌های سوسیالیستی قرار گرفت. اگرچه ساختار کلی شهرهای امروز گرجستان چهره کلی همان الگو را دنبال کرده، اما در سال‌های پس از استقلال و جدایی از بلوک شرق، با افزایش ارتباطات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با غرب، هم‌راستا با میل به جهانی‌شدن و تلاش برای جذب بیشتر گردشگر، این تغییر را شدت بخشیده است.

در سال‌های اخیر، اتخاذ دو رویکرد "سنت‌گرایی" و "غرب‌گرایی" رویکردهای غالب در معماری و شهرسازی کشور گرجستان هستند. رویکرد اول بازگشت به فرم‌های سنتی و مؤلفه‌های حاکم بر آن است که در معماری، منظر و طراحی شهرها، به ویژه در شهرهای جدید دیده می‌شود. در این رویکرد، الگوهای کلاسیک غربی با استفاده از مصالح سنگی و جزئیات زیاد در نمای بناهایی با کاربری‌های گوناگون اجرا شده است. رویکرد دوم، ساخت بناهای فرم‌گرا و استفاده از عناصر شهری مدرن برای ایجاد هویتی نو و جذب گردشگر است. این بناهای دستوری، فارغ از ارزش‌های زیباشناسانه بومی و بدون توجه به زمینه فرهنگی و اجتماعی، به عنوان کانون توجه بصری در شهرهای فای نقش می‌کنند. هرچند می‌توان رویکرد سنت‌گرا در معماری بناها و فضاهای شهری را تلاشی در راستای هویت‌مند کردن منظر شهرهای منطقه قلمداد کرد، اما این رویکرد در حد تقلید از معماری گذشته غربی و گرت‌برداری فرمال تقلیل یافته است. رویکرد دوم نیز با اهداف اقتصادی و رقابت با کشورهای غربی بدون توجه به ویژگی‌های فرهنگی، عملکردی، جغرافیایی و تاریخی این منطقه، تنها به ایجاد چهره‌ای آشفته و التقاطی از شهر منجر شده است. فصل مشترک و معضل هر دو رویکرد جاری، بی‌توجهی به مسئله هویت و ابعاد هویتی معماری آینده قفقاز است. هویت به معنای تداوم یک فرهنگ در طول تاریخ یک ملت، در هر دو رویکرد به فراموشی سپرده شده است؛ در رویکرد اول با نگاه فرمال به سنت و تاریخ و در نگاه دوم با شیفتگی و تقلید محض از معماری غرب. ادامه پیدا کردن این روند بدون شک به شهرهای بی‌هویتی می‌انجامد که در جستجوی گمشده‌ای در تاریخ یا نایافته‌ای در غرب سرگردانند.

## واژگان کلیدی

معماری جدید گرجستان، سنت‌گرایی، غرب‌گرایی، تفلیس.

روس‌ها عهده‌دار بازسازی تفلیس شدند و بازسازی کامل شهر را در حدود ۱۸۵۰ تحت قوانین روس‌ها به انجام رساندند (Van Assche & Salukvadze, 2012). در فاصله سال‌های ۱۲۹۱ تا ۱۹۹۱ میلادی که گرجستان جزئی از اتحاد جماهیر شوروی محسوب می‌شد، اندیشه‌های سوسیالیستی حاکم بر فضاهای شهری مانند الگوی میکرورایان رواج پیدا می‌کند. همچنین استفاده از سبک نئوکلاسیسیسم در معماری بناها، که از ویژگی‌های دوره حکومت استالین است، در این دوره متداول می‌شود (Ibid). الگوی ساخت‌وساز شهری در دوره کمونیسم مبتنی بر خیابان‌های شطرنجی برگرفته از مدرنیسم با قرائت مارکسیستی بوده و تکیه بر خیابان اصلی به عنوان محل استقرار ساختمان‌های دولتی و حکومتی از اصول شهرسازی این دوره است. گرجستان پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دستخوش رکود اقتصادی و هرج‌ومرج نشد، ولی از نظر اقتصاد ملی همچنان کشوری ضعیف محسوب می‌شود. ۶۰ درصد جمعیت این کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند. درآمد سرانه این کشور در ۲۰۰۱ حدود ۹۵۰ دلار برآورد شده است (Eurasianet, 2008؛ ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۷: ۲). در ۲۰۰۰ میلادی طرح جامع شهر تفلیس تدوین شد. در تدوین چشم‌انداز هویت جدید شهر، دو رویکرد متفاوت پیش رو قرار گرفته است: سنت‌گرایی و جهانی‌شدن. تحلیل این دو رویکرد می‌تواند مسیری که نقشه جامع برای آینده تفلیس متصور شده است را نشان دهد؛ مسیری به دنبال آفرینش یا احیای هویتی گم‌شده که در دوره کمونیست از این منطقه رخت برست.

گرجستان به عنوان یکی از کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق در منطقه قفقاز، از تاریخ و فرهنگ کهن و ریشه‌داری برخوردار است. پس از فروپاشی شوروی، گرجستان همچون دیگر کشورهای استقلال‌یافته این حوزه، در پی نوسازی شهرها و ساخت‌وسازهای جدید بوده است. برخی از این ساخت‌وسازها به منظور احیای کاربری‌های مغفول دوره کمونیسم از جمله بناهای مذهبی و تجاری و برخی دیگر به دنبال توسعه شهر بوده است. جنبش نوسازی و احیای بافت‌های تاریخی در دو دهه اخیر از سیاست‌های توسعه کلان برنامه‌ریزی شهری در گرجستان تبعیت می‌کند. تاریخ تحولات شهر تفلیس را می‌توان به سه دوره سنت، کمونیستی و پس از استقلال تقسیم کرد.

بنیان‌گذاری تفلیس به عنوان پایتخت باستانی گرجستان، به قرن ۵ پیش از میلاد بازمی‌گردد. این شهر قرن‌ها به عنوان مرکز امپراتوری گرجستان و نقطه عطف راه‌های ارتباطی از آسیای مرکزی به دریای سیاه به شمار می‌رفته است. از لحاظ فرهنگی، تفلیس همواره شهری با اقوام و مذاهب گوناگون بوده و امروزه نیز از مراکز مهم مسیحیت ارتدکس به شمار می‌رود. این شهر بارها مورد هجوم بیگانگان قرار گرفت و به همین خاطر آثار معماری بسیار اندکی از دوره‌های پیشین در آن وجود دارد. آخرین هجومی که موجب تخریب بسیار زیاد این شهر شد، به ۱۷۹۵ میلادی توسط آغامحمدخان قاجار بازمی‌گردد. در اوایل قرن نوزدهم میلادی امپراتور گرجستان، ایراکلی دوم، تفاهم‌نامه‌ای با امپراتوری روسیه برای حفاظت از سرزمین گرجستان امضاء کرد که به موجب آن

## رویکرد اول: سنت‌گرایی

این رویکرد که در معماری، منظر و طراحی شهری گرجستان به خصوص شهرهای جدید آن دیده می‌شود، بر تاریخ و مؤلفه‌های حاکم بر آن مانند استفاده از عناصر کلاسیک<sup>۱</sup> در قالب‌های گوناگون تأکید دارد. در این رویکرد با به کارگیری الگوهای کلاسیک طراحی‌های جدید تا استفاده از مصالح سنگی با جزئیات فراوان مواجه هستیم. استفاده از تاق‌های رومی و سنتوری‌ها در نمای اصلی بناها، وجود مجسمه الهه‌های یونان و روم باستان در میدان‌های شهری، نشان از علاقه به بازآفرینی این الگوها در ساخت‌وسازهای جدید دارد. به طور کلی می‌توان طلب هویت را در این رویکرد با دو راهکار مشاهده کرد:

### ۱. مداخله در بافت و احیای آن براساس تکرار الگوهای سنتی

در خیابان روستاولی یکی از معروف‌ترین خیابان‌های این شهر در بافت قدیم تفلیس، ساخت‌وسازهای جدیدی در کنار

ساختمان‌های دوره کمونیستی دیده می‌شود. این ساختمان‌ها با در نظر گرفتن الگوهای ساختمان‌های موجود در بافت طراحی شده‌اند. نماهای کلاسیک و منظم و مصالح سنگی با طیف رنگی مشابه این ساختمان‌ها، در همگن‌سازی بافت شهری بسیار مؤثر بوده است. میدان‌ها و فضاهای باز شهری تفلیس با به کارگیری مجسمه‌ها و مبلمان شهری هماهنگ با جداره‌های تاریخی اطراف آن ساماندهی شده‌اند. برخی میدان‌هایی که برای حرکت سواره طراحی شده‌اند نیز به نحوی از الگوهای کلاسیک بهره برده‌اند. به عنوان مثال میدان آزادی که یکی از مهم‌ترین میدانی شهر تفلیس به شمار می‌رود، در گذشته کانون بسیاری از حوادث تاریخی، سیاسی و اجتماعی بوده است. این میدان که در دوره امپراتوری روسیه به نام یکی از سرداران مشهور -ایوان پاسکویچ- نام‌گذاری شد، در دوره حکومت شوروی به میدان "لنین" تغییر نام یافت و مجسمه او بر بالای ستونی در مرکز میدان نصب شد و پس از استقلال گرجستان میدان "آزادی" نام گرفت و به جای مجسمه لینن، تندیس "سنت جرج" که در حال کشتن اژدهاست جایگزین شد (تصویر ۱). این مجسمه یادآور مجسمه‌های امپراتور دوران روم باستان و تندیس خدایان در آگوراهای یونان است. اطراف میدان



تصویر ۱. باززنده‌سازی بافت‌های تاریخی با الگوهای سنتی، میدان آزادی، تفلیس، گرجستان.  
عکس: سید امیر منصوری، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.

نهی مقتضیات زمان اعم از شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ سیاسی به علاوه نادیده‌گرفتن قوه ابداع و خلاقیت هنرمندان و معماران در نظریات سنت‌گرایان معاصر مانع از شکل‌گیری و کشف رهیافت‌های مطلوب و پاسخگو در شرایط امروز معماری می‌شود (منصوری و تیموری، ۱۳۹۲). تعریف فرمال از معماری و ضرورت استفاده و تکرار و تقلید از مصالح، اشکال، جزئیات و الگوهای تاریخ معماری که سنت‌گرایان مطرح می‌کنند، واکنشی افراطی در برابر افراط مدرنیسم در حذف کامل تاریخ از هنر و معماری است (همان).

## ۲. یادمان‌گرایی و هویت‌سازی با نمادهای معماری

یکی از نمونه‌های معماری جدید با الهام از الگوهای نمادین، کلیسای "سامبا"، بزرگ‌ترین کلیسای تفلیس است که در مقیاس بسیار عظیم ساخته شده تا در کنار کلیساهای متعدد تاریخی شهر همچون عنصری اغراق‌شده الگوی کلیساهای این منطقه را در ذهن تداعی کند. نمونه دیگر از نمادگرایی را می‌توان در میدان آزادی که یکی از مهم‌ترین میدانی شهر تفلیس به شمار می‌رود مشاهده کرد. این میدان که در دوره امپراتوری روسیه به نام یکی از سرداران

آزادی، تالار شهر تفلیس، ساختمان مرکزی بانک گرجستان و تعدادی ساختمان‌های مهم دولتی قرارگرفته‌اند. ساختمان‌های مجاور میدان کاربری‌های متنوعی دارند که با رویکرد حفاظت از سبک تاریخی رایج در آن نوسازی و بازسازی شده‌اند. در مجاورت میدان که خیابان روستاولی از آن آغاز می‌شود، یکی از قدیمی‌ترین نواحی تاریخی شهر تفلیس را می‌توان مشاهده کرد. سیاست شهرداری حفاظت از این پهنه و نوسازی یا بازسازی ساختمان‌های آن با رعایت الگوی پیشین است. نکته مهم‌تر حفاظت از شبکه معابر تاریخی بافت بوده که به نظر می‌رسد مهم‌ترین سیاست احیای بافت است. حفاظت از مکان، امتداد، مقطع، سیمای جداره و دانه‌های مهم تاریخی موجود، ارکان اصلی سیاست‌های حفاظتی معابر بوده است.

هرچند اتخاذ این رویکرد از جانب مدیریت شهری تفلیس تا حد زیادی موفق بوده و توانسته بافت تاریخی این منطقه را حفظ کند، اما در برخی موارد اغراق در به‌کارگیری عناصر معماری کلاسیک بدون توجه به زمینه و کاربری بناها، این رویکرد را به رویکرد سنت‌گرایان نزدیک کرده است؛ جایی که تمامی بناها با پوسته‌ای کلاسیک تزئین می‌شوند. اصالت‌دادن به تاریخ هنر و معماری و



تصویر ۲. استفاده از الگوهای سنتی در ساخت بنا، کلیسای سامبا، تفلیس، گرجستان. عکس: سید امیر منصوری، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.

سازه‌های خاص، پوشش شفاف و نورپردازی در طول شب، این پل را تبدیل به نقطه عطفی در دل شهر کرده است (تصویر ۳). این قبیل تحرکات در سطح شهر در واقع به دنبال همان هویت گمشده در آن سوی مرزهاست و در تلاش است تا با ایجاد عناصری که در طول زمان نقش برند یا نماد را در منظر شهر پیدا خواهند کرد، هویتی نو برای شهر دست‌وپا کند. نمادپردازی‌هایی که هیچ ریشه یا حتی ارتباطی با هویت بومی مردم ندارد.

## ۲. معماری حکومتی پیش‌رو (آوانگارد)

حکومت، به عنوان قدرت اقتصادی و تصمیم‌گیرنده بر چگونگی صرف منابع مالی، ترجیح داده است بودجه بیشتری را صرف طراحی و اجرای بناهایی چون مرکز پلیس و مرکز خدمات شهری کند. اصلی‌ترین ویژگی در ساخت‌وسازهای جدید تفلیس که توسط حکومت احداث شده‌اند، چه در بافت قدیمی و چه در قسمت‌های توسعه‌یافته شهر پیش‌رو بودن آنهاست. حکومت با به‌کارگیری معماران غیربومی فرم‌گرا، معماری متمایز با عناصر بومی را در دستور کار قرار داده است. از آنجاکه دست دولت‌ها و مدیران در این بخش از اقدامات شهری کاملاً مشهود است، می‌توان آنها را نماینده تمام‌عیار رویکرد ایشان در توسعه و جهانی شدن به شمار آورد.

مشهور-ایوان پاسکویچ- نام‌گذاری شد، در دوره اتحاد جماهیر شوروی به میدان "لنین" تغییر نام یافت و مجسمه او بر بالای ستونی در مرکز میدان نصب شد. پس از استقلال گرجستان میدان "آزادی" نام گرفت و به جای مجسمه لنین، تندیس از "سنت جرج" که در حال کشتن اژدهاست، جایگزین شد. این مجسمه یادآور مجسمه‌های امپراتور در دوران روم باستان و تندیس خدایان در آگوراهای یونان است و نوعی دیگر از توسل جستن به نمادها را نشان می‌دهد (تصویر ۲).

## رویکرد دوم: جهانی شدن

استقلال کشور گرجستان و تحولات ناشی از آن همزمان با جهانی شدن کشورهای در حال توسعه، دگرگونی‌های بسیاری را در حوزه معماری به دنبال داشت. اساساً جهانی شدن، در هم تنیدگی رویدادها و روابط اجتماعی سرزمین‌های دوردست با تاروپود موضعی یا محلی جوامع دیگر است (کیدنز، ۱۳۷۸: ۴۲). این تعریف از جهانی شدن با اشاره به دو بخش «سرزمین‌های دوردست» از یک طرف و «تاروپود موضعی و محلی» جوامع از طرف دیگر، جهانی شدن را در مقابل محلی‌گرایی مطرح می‌کند. این دوراهی یا سردرگمی برای کشورهای تازه استقلال یافته مانند گرجستان بیش از سایر ملل مطرح است. چراکه این جوامع با گذراندن دورانی که تحت استعمار و در حصار درهای بسته کمونیست بوده‌اند، ناگهان با درهایی گشوده به سمت اروپا و غرب مواجه شده‌اند و این در حالی است که سال‌ها از هویت و ارزش‌های اصیل ملی خود نیز دور نگاه داشته شده‌اند. خلأ هویت و احساس عقب‌ماندگی از خیل ملت‌هایی که به قطار جهانی شدن پیوسته‌اند، معضلی اساسی و بحرانی داخلی برای این جوامع به شمار می‌رفته است.

این رویکرد را می‌توان در راستای دست‌یافتن به هویتی جدید برای شهر دانست. هویت نوپایی که خاستگاه خود را نه در تاریخ و گذشته باستانی و ملی شهر، بلکه در آن سوی مرزهای گشوده شده جستجو می‌کند. از طرفی جذب گردشگر و معرفی گرجستان به عنوان کشوری توسعه‌یافته نیز از اهداف اصلی این رویکرد است، که مدیریت شهری تفلیس با انگیزه رسیدن به هر دو هدف راهبردهایی را اتخاذ کرده است.

## ۱. نمادپردازی‌های جدید

در حاشیه رود "کورا" در قلب بافت قدیمی شهر تفلیس، رخدادهایی در زمینه معماری نوین مانند پل صلح با هندسه‌ای منظم و سالن اجرا با فرمی آزاد دیده می‌شود. این بناها با کالبد ویژه خود، به عنوان نمونه‌ای از این راهکار برای جذب گردشگر و هویت‌بخشی به بافت شهر عمل کرده‌اند. پل صلح توسط معماران ایتالیایی طراحی و اجرا شده است و به نظر می‌رسد معماران غیربومی این بناها بیشترین تلاش را به دستور کارفرما به کار بسته‌اند تا حداکثر توجه را به خود جلب کنند. کابل‌ها و عناصر



تصویر ۳. عنصر شهری نمادین به منظور هویت بخشی و جذب گردشگر، پل صلح، تفلیس، گرجستان.  
عکس: احسان دیزانی، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.



تصویر ۴. نمونه‌ای از معماری حکومتی آوانگارد. ساختمان مرکز عمومی خدمات شهری، تفلیس، گرجستان.  
عکس: سید امیر منصوری، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.

جهانی شدن، جوامع گوناگون دارای انسجام و یکپارچگی بودند، اما پدیده جهانی شدن با شکستن مرزهای ساختگی و تسخیر جهان موجب ادغام نظام‌های معنایی، حذف بخش‌هایی از این نظام‌ها و اضافه شدن معناهایی شد که محصول مدرنیته و جهانی شدن هستند (تافلر، ۱۳۷۴).

نظام‌های معنایی پیوسته دیروز، در یک بستر جغرافیایی هویت یک ملت را ایجاد می‌کرد که با این گسست بحران هویت را عملاً ارمغان پدیده جهانی شدن ساخت. بحرانی که حتی برای گردشگرانی که به دنبال فهم هویت ملت‌ها بودند را ناامید کرده و نه تنها نظر آنها را جلب نمی‌کند، بلکه موجب نقد رویکردهای حاکم بر مدیریت شهرهای این جوامع می‌شود.

در هر دو دسته راهبرد بخش‌هایی از شهر تفلیس به واسطه بهره‌گیری از مصالح و معماری جدید، گونه‌ای از زیبایی‌شناسی و تنوع ایجاد شده که هدف جلب گردشگر را تأمین می‌کند و برای ساکنان شهر نیز جالب توجه است. اما باید توجه داشت این اتفاق با برداشتی سطحی از آثار معماری جهان و اعمال سلیقه‌های شخصی، بیشتر کثرت‌گرایی و التقاط را دامن زده است (تصویر ۴). چنانچه هویت را مفهومی برآمده از مؤلفه زمان و تداوم فرهنگی یک ملت بدانیم، آنگاه نمی‌توان این عناصر تقلیدی را عناصری هویت‌ساز دانست. اگر این رویه بدون تأمل و بررسی و صرفاً با اهداف اقتصادی و سیاسی ادامه پیدا کند، لطامت جبران‌ناپذیری به هویت ملی مردم می‌زند. پیش از ظهور و فراگیری

## نتیجه‌گیری

در میانه این دو واقعه تاریخی، تصمیم‌گیران حوزه شهر در این کشور به دنبال هویت‌مند ساختن شهرهای خود هستند. به تناظر این دو اتفاق و تبعات ناشی از آن، دو رویکرد توسعه‌ای توسط متصدیان شهر دنبال می‌شود که یکی به دنبال سنت‌گرایی و بازگشت به گذشته است و دیگری به دنبال غرب‌گرایی و تقلید محض از آن چیزی که تاکنون از آن به جامانده است. این تفرق آراء و اختلاف رویکردها علاوه بر ایجاد چهره‌های مختلط در شهر، راهی صحیح برای هویت‌مند کردن شهر نیست؛ چراکه هیچ‌کدام متعلق به هویت مردم نیستند. زندگی امروز شهروندان شهرهای منطقه در هیچ‌کدام از این دو طیف خلاصه نمی‌شود و نگاه دستوری موجود به جریان مردمی زندگی واقعی نمی‌گذارد. در نتیجه یا به فضاهای کلاسیک و تاریخی و بازسازی عین به عین آنها حتی در محلات نوظهور می‌پردازد یا نمادهای نوگرایانه شهری را به کمک معماران غربی و از طریق فرم‌های ناآشنا با فرهنگ بومی دنبال می‌کند، که این هر دو راهی به هویت امروز اهالی گرجستان نمی‌برد.

استقلال کشور گرجستان از اتحاد جماهیر شوروی با دو واقعه همراه بوده است. نخست حاکی از یک گسست تاریخی و دوم ناشی از یک پیوست ناگهانی. واقعه نخست که به دنبال استعمار شوروی بر این کشور اتفاق افتاد، گسست این کشور از پیشینه باستانی و بلندمدتش بوده؛ گسستی که تمامی داشته‌های فرهنگی و هویتی آن را تبدیل به شهرهایی همگون و با مدول‌های تکرار شونده کرده است. این گسست سبب شده امروز فاصله‌ای زمانی و مکانی در فضاهای شهری این کشور ایجاد شود که پر کردن آن مستلزم رجوعی عمیق به داشته‌های فرهنگی آنهاست؛ رجوعی که محدود به فرم‌ها و کالبد معماری گذشته یا استفاده تزئینی از نمادهای باستانی نخواهد بود. اما واقعه دوم باز شدن ناگهانی مرزهای کشوری است که تا قبل از استقلال به عنوان عضوی از بلوک شرق در بند سیاست‌های دولت شوروی محصور مانده بوده است. این گشایش یا پیوست ناگهانی به قافله غرب، اثرات فرهنگی و ساختاری قابل توجهی بر چهره شهرهای این کشور داشته است.

## پی‌نوشت

۱. منظور از الگوی کلاسیک، الگوی بناهای رایج در دوره‌های گذشته اروپا به ویژه روم و یونان باستان و دوره رنسانس است.

## فهرست منابع

- اسلامی. نشریه فیروزه/اسلام، ۱ (۱): ۶۸-۵۳
- Eurasianet "Georgia". (2008). Available from: <http://www.eurasinet.org/resource/georgia/inde>. (Accessed October 2013).
- Van Assche, K. & Salukvadze, J. (2012), Tbilisi reinvented: planning, Development and the unfinished project of democracy in Georgia, *Planning Perspectives*, 27(1): 1-24.

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌اله. (۱۳۸۷). گرجستان: از انقلاب رز تا جنگ با روسیه، مجله مطالعات اوراسیایی مرکزی، ۱ (۲): ۱۴-۱.
- تافلر، آلون. (۱۳۷۴). موج سوم. ترجمه: شهیندخت خوارزمی. تهران: نشر فاخته.
- گیلندر، آنتونی. (۱۳۷۸). تجدد و تشخص. ترجمه: ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
- منصوری، سیدامیر و تیموری، محمود. (۱۳۹۲). نقد آرای سنت‌گرایان معاصر در زمینه هنر و معماری اسلامی با تکیه بر مفهوم سنت در تعریف معماری